

## مقدمه

با موضوع ترجمه متون مقدس در ادیان ابراهیمی برخوردارهای یکسانی صورت نگرفته است. عالمان دین یهود در آغاز با ترجمه تورات مخالف بوده، آن را گونه‌ای کفر ورزی تلقی می‌کردند. دلیل این عالمان این بود که نباید کلام خدا را در قالب کلمات زمینی ریخت و قداست آن را خدشه دار کرد.

در کتابی با عنوان " کتاب روزه یا سیاهه جشن‌ها" که در سده‌های اول یا دوم میلادی به زبان عبری نگاشته شده، نقل شده است که در پی ترجمه تورات از عبری به یونانی، گیتی بمدت سه شبانه روز تیره و تار گردید. اشاره این کتاب به ترجمه موسوم به La Septante یا مصحف هفتاد از عهد عتیق است. این متن کهن ترین نسخه یونانی است که در سده سوم پیش از میلاد در زمان حکومت بطلمیوس دوم برای استفاده یهودیان مهاجر در اسکندریه ترجمه شد.

برای توجیه انجام این ترجمه و شکسته شدن حرمت کتاب مقدس به زعم گروهی، همچنین برای جلب اعتماد پیروان دین یهود و تشویق آنان به خواندن این متن، روایات افسانه گونه‌ای نیز ساخته شده است؛ مانند آنکه نقل شده هفتاد یا هفتاد و دو مترجم عالم جدا گانه و بی آنکه از کار یکدیگر خبر داشته باشند عهد عتیق را ترجمه کردند و هنگام مقابله متون با یکدیگر در کمال ناباوری دیدند که همه ترجمه‌ها

## در آمدی بر نظریات ترجمه و بازترجمه کتب آسمانی

بهمراه مقابله ترجمه و باز ترجمه هفت آیه نخست سوره مبارکه مائده

محمد زیار<sup>۱</sup>

## چکیده

افزون بر یکصد و هفتاد ترجمه از قرآن کریم به زبان فرانسه در دست است. این کتاب آسمانی را نخستین بار در نیمه نخست سده هفدهم آندره دوریه از متن عربی به فرانسوی ترجمه کرد. این متن چنان اعتباری داشت که قریب یک قرن هیچکس به فکر باز ترجمه آن نیفتاد. اما مترجمان بسیاری بویژه در قرن بیستم خود را در وادی ترجمه قرآن کریم آزمودند که پروفیسور محمد حمید الله زاده حیدرآباد هند یکی از آنان است. حمید الله علاوه بر ارائه ترجمه‌ای مستحکم افتخار دارد که نخستین مسلمانی است که در زبان فرانسه دست به این کار خطیر زده است. در باب ترجمه و باز ترجمه امروزه نظریات گوناگونی ارائه شده که ما در حد بضاعت ناچیز خود کوشیده ایم به برخی از آنها اشاره و با مقابله آیاتی از سوره مبارکه مائده نشان دهیم که تا چه اندازه این نظریه‌ها در عمل درست و قابل اعتنا هستند.

**کلید واژه ها:** قرآن، ترجمه، بازترجمه، ترجمه فرانسوی قرآن، محمد حمید الله، آندره دوریه.

۱- در واقع می‌باید بین متون مقدس و متون دینی تمایز قائل شد: متن مقدس یا آسمانی پیام و کلامی است که از جانب خداوند به پیغمبر خود وحی و نازل شده است. متن دینی کلام و بیان سیره، روش و سرگذشت پیامبران، قدیسان و اولیای دین است. بنابراین بخش اعظم آنچه امروز عهد عتیق و عهد جدید خوانده می‌شود در حقیقت کتاب آسمانی یا مقدس نیست. ژان - رنه لادمیرال استاد و نظریه پرداز بزرگ ترجمه شناسی می‌گوید: عربی برای مسلمانان و کسانی که به اسلام دل بستگی دارند واقعا " زبان قرآن است. لویی ماسینیون می‌گفت: روز قیامت در باره ما به زبان عربی داوری خواهد شد. از دیدگاه الهیات، قرآن از سوی خداوند و به عبارت دقیق تر بواسطه جبرئیل ملک دیکته شده است. قرآن حتی آفریده نشده به این معنا که جزء ذات خداوند است. (لادمیرال، ۱۳۱)

طبق این تعاریف نزد ما مسلمانان کتبی مانند نهج البلاغه و صحیفه سجاده متون دینی بوده و قرآن کریم کتاب آسمانی یا متن مقدس است.

یکسان‌اند. به این ترتیب وانمود شد که در کار ترجمه معجزه رخ داده و امداد و الهام الهی در کار بوده است.

ترجمه متون مقدس نزد مسیحیان ماجرابی کاملاً متفاوت دارد: از آنجا که نزد مسیحیان هم عهد عتیق و هم عهد جدید مورد احترام و تقدیس هستند و اینکه کهن ترین متون عهد عتیق به زبان عبری باستان نگاشته شده، حال آنکه حضرت مسیح (ع) به زبان آرامی سخن می‌گفته و سخنان ایشان به همراه داستانها، سرگذشتها و سخنان حواریون و قدیسان در مجموعه‌ای به نام عهد جدید برای نخستین بار در قرن یکم به زبان یونانی کتابت شد و باز از آنجا که امپراتوری روم نیز بر بخش عمده‌ای از اروپا و آفریقا فرمانروایی داشت و مردمان آن نواحی به دین مسیح گرویده بودند و زبان یونانی نمی‌دانستند، خیلی زود لزوم ترجمه کتاب مقدس مرکب از عهد عتیق و عهد جدید به زبان لاتین یعنی زبان رسمی و مشترک امپراتوری روم احساس شد.

به همین سبب در قرن چهارم میلادی ژروم قدیس (Saint Jérôme) به این کار همت گماشت و قرن‌ها پس از او همین متن به زبانهای اروپایی جدید مانند آلمانی، انگلیسی و فرانسوی ترجمه شد.

اما موضوع ترجمه قرآن نزد مسلمانان خود حدیثی دیگر است. نقل شده است که نخستین تلاش‌ها برای ترجمه قرآن کریم در زمان حیات پیامبر اسلام حضرت محمد (ص) انجام پذیرفت و آن برگردان فارسی سوره الفاتحه با اذن پیامبر (ص) و به ابتکار سلمان فارسی بود.

همچنین گفته و نوشته شده که جعفر ابن ابی طالب فرستاده پیامبر به حبشه برای آشنایی پادشاه (نجاشی) آن دیار کل سوره مریم را به زبان حبشی کهن (گز) ترجمه و قرائت کرد.

واقعیت این است که در هیچ کدام از ادیان ابراهیمی صاحب کتاب، سند معتبری دال بر تحریم ترجمه متون مقدس به زبانهای دیگر در دست نیست. از ادیان یهودی و مسیحی که بگذریم، عده‌ای از صاحب نظران از جمله حمید گسوس استاد دانشگاه

فاس در مراکش بر این باوراند که اکراه عده‌ای برای ترجمه قرآن دلایلی کاملاً غیر دینی و بیشتر سیاسی و فرقه‌ای دارد.

این اندیشمند سال ۲۰۱۲ در حاشیه همایشی جهانی در مراکش با عنوان "ترجمه متون مقدس" در پاسخ به این فرض که چه پیش می‌آید اگر قرآن به زبانهای دیگر ترجمه نمی‌شد می‌گوید: "در این صورت زبان عربی در برخی کشورهای مسلمان (ایران، پاکستان، افغانستان، ترکیه) و سرزمین‌های غیر مسلمان (اروپا، آمریکا، آفریقا) بعلاوه کشورهای مسلمان عرب شده با نقش مایه نیرومند غیر عرب مانند کشورهای شمال آفریقا مهجور می‌ماند".

امروزه افزون بر یکصد و هفتاد برگردان به زبان فرانسوی از قرآن کریم در دست است که برخی از معروف ترین آنها به قلم مترجمان زیر انجام پذیرفته و منتشر شده است:

آندره دوریه	André Du Ryer
کلود اتین ساواری	Claude-Etienne Savary
کازیمیرسکی	M. Kasimirski
رژی بلاشر	Régis Blachère
محمد حمید الله	Mohammad Hamidullah
دنیز ماسون	Denise Masson
آندره شوراکي	André Chouraqui
ژاک برک	Jacques Berque
حمزه بوبکر	Hamza Boubaqueur
مالک سبل	Malik Chebel
عبدالله پنو	Abdallah Penot
ژان گروژان	Jean Grojean
صادق مازیغ	Sadok Mazigh
رنه خوان	René Khawan

## بحث و بررسی

علت وجود این همه ترجمه چیست؟ چرا بجای ترجمه‌های مکرر، اهل نظر به نقد و بررسی ترجمه‌های موجود نپرداخته اند؟

پیش از پرداختن به مقابله و بررسی ترجمه‌های دوریه و حمید الله، بهتر است با پاره‌ای از نظریات در باب ترجمه و باز ترجمه آشنا شویم.

به نظر الزبیتا اسکبیسکا استاد دانشگاه وروکلای لهستان: "باز ترجمه پدیده‌ای بسیار کهن است که دلایلی باعث آن می‌شود که لزوماً به ترجمه پیشین ارتباطی ندارند." به گفته وی دو عامل در بازترجمه نقش دارند:

عامل نخست را می‌توان "تاریخی" نامید وهدف آن به روز کردن متن ترجمه شده‌ای است که "کهنه" تلقی می‌شود و در نتیجه دیگر نمی‌تواند به نیازهای مخاطب زمان خود پاسخگو باشد.

عامل دوم را اسکبیسکا "عامل تجاری یا انتشاراتی" می‌داند. ژرژ گارنیه در کتابی با عنوان زبان شناسی و ترجمه (صفحه ۲۸) نوشته است که آثاری هست که هر بنگاه انتشاراتی مایل است در کارنامه خود نمونه‌ای از آنها داشته باشد.

شارل سورل متفکر و نویسنده سده هفدهم فرانسه در باره باز ترجمه می‌گوید: "امتیاز ترجمه در این است که می‌تواند در تمام قرون از نو انجام شود تا مطابق باب روز کتابها را باز سازی کند." (سورل، ۱۹۴)

ولتر فیلسوف و ادیب بزرگ عصر روشنگری نیز اعتقاد داشت که می‌بایست برای زمان خود نوشت نه اعصار گذشته.

جان مایکل کوهن مترجم نامی انگلیسی می‌گوید: "هر اثر بزرگی لازم است قرنی یکبار ترجمه شود تا با معیارها و سلاقی نسل‌های جدید منطبق گردد."

پل بن سیمون استاد ترجمه شناسی دانشگاه سوربن (پاریس ۳) و پایه گذار مجله معروف (PALIMPSESTES) می‌گوید: "همه ترجمه‌ها تاریخی اند، تمام باز ترجمه‌ها

نیز هم. هیچ کدام از این دو دسته از فرهنگ، ایدئولوژی و ادبیات یک جامعه در زمانی خاص از تاریخ جدا نیست" (بن سیمون، ۱۰).

پل ریکور به تاریخ ۲۴ ماه می ۲۰۰۴ در مقاله‌ای با عنوان "فرهنگها، از ماتم تا ترجمه" در روزنامه لوموند، باور به ترجمه کامل و نهایی را فاجعه می‌خواند که جا دارد بخاطر آن ماتم گرفت.

آنتوان برمن در کتاب آزمون بیگانه می‌نویسد: "هر ترجمه‌ای صرف نظر از اصول خود ناقص و دچار کاستی‌هایی است. یعنی اینکه هر ترجمه‌ای تحت تاثیر ترجمه ناشده‌ها است و ترجمه‌های نخستین بیشتر از سایر ترجمه‌ها متأثر از ترجمه ناشده‌ها هستند (...). باز ترجمه بیشتر برآمده از این نیاز است که کاستی‌ها کاهش یابند تا اینکه محذوفات بازیابی شوند." (آنتوان برمن، ۵)

دانیکا سلسکویچ در مقاله خود با عنوان: "دو راهی واژگانی باز ترجمه" (در شماره ۱۷۵ مجله ترجمه ۱۹۹۸، صص ۱۷-۲۷) می‌نویسد: "مسائل بسیاری باید مورد توجه قرار گیرند تا ترجمه مجدد توجیه پذیر باشد. اما به عقیده من بهبود کیفیت یک ترجمه بی گمان یکی از مهمترین عوامل در احساس نیاز به باز ترجمه بشمار می‌رود." (ص ۲۲)

پل بن سیمون با الهام از اندیشه‌های یوهان ولفگانگ گوته در دیوان شرقی-غربی وی می‌گوید: "میان ترجمه‌های اولیه که پیش درآمد محسوب می‌شوند و باز ترجمه‌ها تفاوت‌هایی بنیادی وجود دارد. ترجمه اول برای عادی سازی اثر بیگانه اقدام و تلاش می‌کند غیر خودی بودن آن اثر را کاهش دهد تا بهتر بتواند آن را در فرهنگی دیگر جا بیندازد؛ از اینرو بسیار به اقتباس شبیه است زیرا کمتر به ساخت‌های متن اصلی پایبند است. ترجمه اول با منطبق ساختن اثر بیگانه با باید‌ها و نباید‌هایی که مخاطب ترجمه اثر به آنها پایبندی دارد، بطور کلی در پی بومی سازی آن است (...). با توجه به اینکه ترجمه اول اثر بیگانه‌ای را وارد زبان مقصد می‌کند، مترجم بعدی دیگر در صدد کاهش فاصله میان فرهنگ‌ها بر نمی‌آید، او نه تنها گوشه چشمی به فرهنگ بیگانه دارد بلکه

تلاش می‌کند تفاوت‌ها را باز نماید. پس از سپری شدن زمانی از انجام ترجمه اول، خواننده دیگر توانایی آن را دارد که اثر را با تمام بیگانگی و دور دستی اش دریافت و درک نماید. باز ترجمه معمولاً از ترجمه نخست یا ترجمه بومی شده به جزئیات متن مبدأ، برجستگی‌های زبانی، سبکی و ویژگی‌های آن بیشتر توجه دارد." (بن سیمون، ۹ و ۱۰)

رژی بلاشر که خود یکی از مترجمان بنام و صاحب سبک قرآن کریم به زبان فرانسه است می‌گوید: "علاقه و نیت مترجمان قرآن با توجه به خاستگاه، زبان، دوره و محیط اجتماعی- مذهبی آنان، از کشوری به کشور دیگر و از ناحیه‌ای به ناحیه دیگر متفاوت است (نک: بلاشر، ۱۹۹۱، ۲۶۴-۲۷۷).

در میان مللی که به ترجمه قرآن علاقه نشان داده‌اند فرانسویان جایگاه ممتازی دارند. یکی از دلایل این جایگاه ویژه شمار ترجمه‌های قرآن به این زبان است که از مرز ۱۷۰ مورد درمی‌گذرد. این ترجمه‌ها را نه تنها فرانسویان که غیر فرانسویان مسلمان یا غیر مسلمان، یکتاپرست یا غیر مومن انجام داده‌اند. بنابراین اهداف مترجمان متفاوت و گاه در تضاد با یکدیگراند. برخی خواسته‌اند با این کار چهره اسلام را متفاوت نشان دهند. عده‌ای دیگر خواسته‌اند آن را ابزار تبلیغات خود قرار دهند و عده‌ای هم بالاخره خواسته‌اند به میراث جهانی خدمت کنند و هیچ‌گونه منفعت دینی یا قومی در آن جستجو نکرده‌اند.

روش کار مترجمان هم با یکدیگر تفاوت بسیار دارد: عده‌ای به ترجمه متن قرآن بسنده کرده، آن را بی هیچ توضیح و تفسیری منتشر کرده‌اند، عده‌ای دیگر نه تنها هر جا فرصت یافته‌اند از اعمال نظر خودداری نکرده، بلکه در مقدمه‌های بعضاً "مفصل به شرح زندگی حضرت رسول(ص) و مسلمانان پرداخته‌اند.

علاوه بر دغدغه‌های معنایی از دیگاه زبانی هم مترجمان روشهای متفاوتی در پیش گرفته‌اند. گروهی کوشیده‌اند از نظر ساختاری و زبانشناختی به زبان قرآن، یعنی زبان عربی پایبند بمانند و بعضاً "لازم دیده‌اند این موضوع را برای خوانندگان فرانسوی

زبان خود شرح دهند. برخی دیگر مانند کازیمیرسکی غیر مسلمان و یا صادق ماذیق مسلمان جانب زبان مقصد را بیشتر از زبان مبدأ گرفته، تلاش کرده‌اند ترجمه هایشان به مذاق خواننده خوشتر آید، بدیهی است نتیجه کار این دو گروه یکسان نخواهد بود.

یک منتقد تونسوی به نام محمود شعبان به سال ۱۹۸۴ در کتابی که منتشر کرده به بررسی ترجمه‌های فرانسوی قرآن به قلم شش نفر از جمله حمیدالله، بلاشر، ماسون و کازیمیرسکی پرداخته، نتیجه گرفته است که هیچ کدام از این مترجمان نتوانسته است از عهده کار برآید؛ پس پیشنهاد می‌کند که بهتر است مترجمان یا تفسیرهای قرآن را ترجمه کنند، یا اینکه خود به زبان مورد نظر تفسیر بنویسند.

### آندره دوریه و محمد حمید الله و کارهای آنان

آندره دوریه که سالیان دراز در شهر قاهره در کنار فعالیتهای کنسولی و بازرگانی به فراگیری زبانهای شرقی بویژه عربی و فارسی همت گماشته بود، در سال ۱۶۳۰ قاهره را به مقصد استانبول ترک کرد تا در آنجا به تکمیل دانسته‌های خود در باره زبانهای فارسی و ترکی بپردازد. حاصل این سفر نگارش و گردآوری فرهنگ دو زبانه ترکی-لاتین و مهم تر و ماندگار تر از آن ترجمه گزیده‌ای از گلستان سعدی نخستین شاهکار ادب فارسی به سال ۱۶۳۴ به زبان فرانسوی و معرفی این گنجینه اخلاق و ادب به اروپائیان بود.

دوریه نه تنها در معرفی ادب فارسی به اروپائیان افتخار تقدم دارد که این مقام را در ترجمه قرآن کریم به زبان فرانسوی نیز از آن خود نموده است.

ترجمه قرآن او برای نخستین بار در سال ۱۶۴۷ منتشر شد و آنچنان مورد اقبال اروپائیان قرار گرفت که در عرض یک سال پنج بار تجدید چاپ شد.

بدلیل تسلط کم نظیری که دوریه به زبان‌های عربی، فارسی و ترکی داشت ترجمه او بسیار معتبر شمرده شد بنحوی که دو سال پس از انتشار یعنی در سال ۱۶۴۹ ترجمه‌هایی بر پایه ی آن به انگلیسی و سپس آلمانی پرداخته و منتشر گردید. این

ترجمه به مدت بیش از یک قرن معتبرترین متن قرآن به زبان فرانسوی تلقی می‌شد و بارها در کشورهای فرانسه، بلژیک، هلند، دانمارک و انگلستان به چاپ‌های پر شمارگان رسید.

در پیشگفتار کتاب مترجم به عنوان یک مسیحی متعصب سعی دارد به خوانندگان خود بگوید که ترجمه کتاب برای خدمت به دین اسلام نبوده است.<sup>۱</sup> استفاده از واژه‌هایی مانند: پیامبر دروغین و لفظ محمدیان بجای مسلمانان که میراث بر جای مانده از سنت و فرهنگ صلیبیون است این حفظ فاصله را پررنگ تر میکند.

مترجم در دیباچه ترجمه خود می‌نویسد: "عالمان دین محمد شرح داده‌اند که اصل قرآن بر لوحی نگاشته شده که در آسمان نگهداری می‌شود و جبرائیل ملک رونوشتی از آن برای محمد آورده است که نه خواندن می‌داند و نه نوشتن او را برای احترام پیغمبر یا حواری می‌خوانند."

در بخش بعدی مترجم زیر عنوان "خلاصه‌ای از دین ترک‌ها" به معرفی دین اسلام از دیدگاه خود پرداخته است. در ابتدا می‌نویسد: "ترکها به یک خدا و یک شخص اعتقاد دارند، آفریننده آسمان و زمین، پاداش دهنده نیکان و کیفر دهنده بدان، او که بهشت را برای باد افره صالحان و دوزخ را برای واپسین کیفر گناهکاران آفرید." (دوریه، ۴)

اما پروفیسور محمد حمید الله در ۱۹ فوریه سال ۱۹۰۸ در شهر حیدرآباد هند متولد شد. در دبیرستان دارالعلوم و جامعه نظامیه حیدرآباد دانش آموخت و از سال ۱۹۲۴ به بعد در دانشگاه عثمانیه به ادامه تحصیل پرداخت و مدرک لیسانس، فوق لیسانس و دکترای حقوق LLB در الهیات و حقوق بین الملل را از این دانشگاه دریافت کرد.

حمیدالله به قصد تحقیق در کتابخانه‌ها و مراکز پژوهشی کشورهای اسلامی به خاورمیانه و شمال آفریقا سفرهای بسیاری کرد و بارها در این کشورها اقامت گزید. در

سال ۱۹۳۵ رساله دکترای خود را در دانشگاه بُن تحت عنوان "بی طرفی در حقوق بین الملل اسلامی" به پایان رساند و پس از آن از دانشگاه سوربن پاریس دکترای ادبیات دریافت کرد.

حمیدالله به بیست و دو زبان تکلم و تتبع می‌کرد. مشهور است که وی زبان تایلندی را زمانی آموخت که ۸۵ سال از عمرش گذشته بود. بجز زبان مادری از جمله زبانهایی که وی به آنها تسلط داشت عبارت بودند از: عربی، فارسی، ترکی، انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، ایتالیایی و غیره.

از وی بیش از ۲۵۰ کتاب، رساله و مقاله به زبانهای عربی، اردو، انگلیسی، فرانسه و آلمانی بجا مانده است. برخی از آثار وی عبارتند از: محمد رسول الله (حیدر آباد، ۱۹۷۴)، نخستین قانون اساسی مکتوب در جهان (لاهور، ۱۹۷۵)، زمامداری مسلمین (لاهور، ۱۹۷۷). صحیفه همام بن منبه (حیدرآباد، ۱۹۷۹)، غزوات پیامبر (حیدر آباد، ۱۹۸۳).

مقابله ترجمه‌های قرآن دوریه و حمیدالله به این سبب انتخاب شده که این مترجمان هر دو در این زمینه افتخار تقدم دارند: دوریه نخستین مترجمی است که قرآن را مستقیماً از عربی به فرانسوی برگرداند و حمیدالله نخستین مترجم مسلمان این کتاب آسمانی به زبان فرانسوی است.

### ترجمه نام قرآن

حمید الله نام قرآن را "L'Alcoran de Mahomet" ترجمه کرده به معنی القرآن محمد؛ همانطور که ملاحظه می‌شود در این برگردان دو لغزش روی داده است یکی افزودن نام محمد و دیگر آوردن پی در پی دو حرف تعریف عربی "ال" و فرانسوی "L'". مترجمان بعد از دوریه از کلود اتین ساواری در سده هفدهم گرفته تا صادق مازیغ در روزگار ما این دو خطا را تصحیح کرده‌اند. عنوان ترجمه حمید الله "Le Coran"

است. در ترجمه دوریه هرجند که در ابتدای هر سوره به مکی و مدنی بودن و شمار آیات اشاره شده اما مترجم آیه‌ها را در متن شماره گذاری نکرده است.

حمید الله ترجمه قرآن خود را با مقدمه یا دیباچه آغاز نکرده، بلکه تنها به ذکر چند نکته بسنده کرده است مانند اینکه نام دیگر سوره الفاتحه، الحمد (L'Hymne) است یا اینکه سوره‌های قرآن به دو دسته مکی و مدنی تقسیم می‌شوند. در پانویس ترجمه سوره بقره هم اشاره می‌کند که در آغاز ۲۹ سوره از قرآن حروفی آمده که قابل ترجمه نیستند و اینکه قرآن از میان ۲۸ حرف الفبای عرب تنها از ۱۴ حرف برای این حروف رمز استفاده کرده است. حمیدالله همچنین به ارزش ادبی الفبای عرب اشاره و لیست حروف و اعداد مربوط را آورده است.

بی شک نقد و بررسی ترجمه کل قرآن در چهارچوب مقاله‌ای هرچند مبسوط میسر نیست؛ از اینرو تنها هفت آیه نخست سوره مبارکه مائده را برای این بررسی برگزیده ایم.

نام سوره را دوریه "La Table" یعنی میز (که روی آن طعام می‌خورند) و حمیدالله "Le Plateau servi" یعنی خوانچه خوراک ترجمه کرده‌اند.

همچنان که ملاحظه می‌شود در گزینش این دو معادل فرهنگ و عصر مترجمان تأثیر داشته است. فرانسوی اوایل سده هفدهم با آگاهی ناچیزی که از فرهنگ مشرقی داشته بی شک نمی‌توانسته است معنای خوان و سفره را درک کند اما در باز ترجمه انجام شده در اواسط قرن بیستم این مشکل وجود نداشته معادل غیر معمول خوانچه خوراک بار معنایی قوی تری برای مخاطب دارد.

اولین اختلاف دو مترجم در حقیقت بر سر برگردان بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ بروز می‌کند آنجا که دوریه رحمن و رحیم را به ترتیب "Clément & Miséricordieux" و حمیدالله "Le Très Miséricordieux & Le Tout Miséricordieux" ترجمه کرده‌اند. حمیدالله دلیل استفاده از یک واژه فرانسوی را برای رحمن و رحیم واحد بودن ریشه این دو صفت در زبان عربی دانسته رحمان را قویتر از رحیم می‌داند از اینرو دو

قید تأکیدی بر سر آنها افزوده تا تفاوت آنها حفظ شود. اما دوریه دو صفت را که در زبان فرانسه تقریباً کاربرد عام ندارند و صرفاً در متون دینی و برای وصف صفات خداوند به کار می‌روند برابری مناسبی برای این دو صفت صرف شده در صیغه مبالغه یافته است. لازم است اشاره کنیم که اختلات اصلی این دو ترجمه و اصولاً همه ترجمه‌ها و باز ترجمه‌ها، بر اساس گفته الزبیتا اسکبیسکا مربوط به زمان این ترجمه‌ها، یعنی "تاریخی" است.

چگونگی برگردان آیات یک تا هفت سوره مبارکه مائده

#### آیه نخست

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ غَيْرِ مُجْلَى الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ	
حمید الله	دوریه
Ho, les croyants ! Remplissez les engagements. Vous est permise <b>la bête du cheptel</b> , sauf ce qui va être récité. Ne vous permettez pourtant pas la chasse <b>dans le temps que vous êtes sacralisés</b> . Dieu, en vérité, ordonne ce qu'il veut.	O vous qui croyez en Dieu, satisfaites à ce que vous promettez, il vous est permis de manger des <b>animaux qui sont mondes</b> , excepté de ce qui vous sera déclaré ci-après. La chasse vous est défenduë <b>pendant le tems que vous ferez le pèlerinage de la Meque</b> , Dieu ordonne ce qu'il veut.

اختلاف مترجمان در برگردان "بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ"، "أَنْتُمْ حُرْمٌ" باز دلیل تاریخی دارد: دوریه ناگزیر شده است در مورد اول بگوید "حیواناتی که پاک هستند" و در مورد دوم، "در زمانی که زیارت مکه را بجا می‌آورید"، معنای محرم بودن را توضیح بدهد. مترجم دوم در این خصوص مشکل چندانی ندارد زیرا اروپائیان دیگر امروز می‌دانند که منظور مسلمانان از دام شامل حیوانات حرام گوشتی چون خوک نمی‌شود. بنابراین موارد فوق را "حیوان پرورشی یا دام" و "زمانی که مُحرم هستید" ترجمه کرده است.

#### آیه دوم

اما نکته جالبی که در این آیه وجود دارد برابر واژه‌های داده شده برای " **الْقَلَائِدُ** " است: دوریه آن را " **des coliers** " به معنی گردن آویزها ترجمه کرده و در پانویس از قول یکی از مفسران مسلمان به نام جلال الدین می‌نویسد: "اعراب قدیم بخاطر ثواب، از شاخ و برگ درختان مانند گردنبند به خود می‌بستند" و مثال می‌زند: "همچنانکه در بعضی مناطق فرانسه در موسم جشن حضرت یحیی روستائیان گیاه به گردن خود می‌آویزند".

### آیه سوم

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالْدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهْلِيَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكَ فِسْقٌ الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمِهِ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

دوریه	حمیدالله
Il vous est défendu de manger de la <b>charogne</b> , du sang, de la chair de porc, & de tout ce qui n'est pas tué en proférant le nom de Dieu, <b>il vous est défendu de manger</b> les animaux étouffez, étranglez, assommez, précipitez, qui se font tuez heurtant l'un cote l'autre & ceux que les animaux auront tuez, si vous ne les trouvez avoir encore vie pour les saigner <b>en proférant le nom de Dieu. Vous ne mangerez pas des animaux sacrifiez aux Idoles. Ne consultez pas les Devins ni le sort:</b> c'est un grand péché: <b>le jour viendra que ceux qui ont abandonné votre Loi seront désespérés</b> , n'ayez pas peur d'eux, & me craignez, <b>le jour viendra que j'accomplirai votre Loi</b> , & que ma grâce sera abondamment sur vous, la Loi de salut est la Loi que je vous veux donner. Si quelqu'un est en nécessité & <b>mange de ce qui vous est défendu sans volonté de pécher</b> , Dieu lui sera clément & miséricordieux	Vous sont interdits la bête morte et le sang et la chair de porc, ce sur quoi on a invoqué quoi que ce soit d'autre que Dieu, et la bête étouffée ou morte d'une chute ou morte d'un coup de corne, et celle qu'une bête féroce a dévorée - sauf celle que vous égorgez avant qu'elle soit morte -. Et celle qu'on a immolée sur <b>les pierres dressées</b> , ainsi que de tirer le partage au sort au moyen de flèches. Tout cela est perversité. Aujourd'hui, les mécréants désespèrent de votre religion: ne les craignez donc pas et craignez-Moi. Aujourd'hui, J'ai parachevé pour vous votre religion, et accompli sur vous Mon bienfait. Et il M'agrée que la Soumission soit votre religion. Si quelqu'un donc se trouve en détresse et qu'il ait faim, tout en se refusant à tomber dans le péché... et bien Dieu est pardonneur et miséricordieux.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَجْلُوْا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشُّهُرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَتَّبِعُونَ فَضْلًا مِّن رَّبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَقُوا لِلَّهِ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

دوریه	حمیدالله
O vous qui croyez, ne dites pas qu'il est permis de faire ce que Dieu a prohibé, faites ce qui vous est ordonné pendant <b>le mois du pelerinage</b> , ne donnez point d'empêchement à ceux qui portent des presens à la Meque, ni à ceux qui prennent <b>des coliers</b> , & n'empêchez pas les pelerins d'y aller demander la grace de Dieu & sa miséricorde. Il vous est permis de chasser lors que vous aurez fini votre pelerinage, prenez garde que quelques personnes ne vous fassent pécher; & ne vous empêchent d'aller à la <b>Meque</b> pour vous obliger à les mal-traiter, & mettez votre apui en la justice & en la crainte de Dieu, & non pas au péché & en la haine de votre prochain, craignez Dieu il est grief en ses châtements.	Ho! les croyants ! Ne profanez ni <b>les emblèmes de Dieu</b> , ni <b>le mois sacré</b> , ni l'offrande d'animaux, ni <b>les guirlandes</b> , ni ceux qui se dirigent vers la <b>Maison sacrée</b> cherchant de leur Seigneur grâce et agrément. Revenus à la vie profane, alors vous êtes libres de chasser. Et que la haine d'un peuple qui vous a empêchés de la <b>Mosquée sacrée</b> ne vous incite pas à transgresser. Entraidez-vous dans la charité et la piété et ne vous entraidez pas dans le péché et la transgression. Et craignez Dieu. Dieu est dur en poursuite, <b>vraiment!</b>

دوریه در ترجمه این آیه مشکلات بسیاری دارد؛ نخست آنکه چند کلمه را در ترجمه خود حذف کرده مانند: ۱- شَعَائِرَ اللَّهِ ۲- الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ۳- إِنَّ.

او همچنین برای " الشُّهُرَ الْحَرَامَ "، " الْبَيْتِ الْحَرَامِ " و " الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ " معادل‌های نارسایی برگزیده است. اولی را "ماه زیارت" و دومی و سومی را "مکه" یک بار با اسم و یک بار دیگر با ضمیر "y" نوشته است.

اما حمیدالله نه مرتکب حذف شده نه معنای کلمات را تغییر داده است. " les emblèmes de Dieu " برای شَعَائِرَ اللَّهِ، " le mois sacré " برای الشُّهُرَ الْحَرَامِ، " la Maison sacrée " برای الْبَيْتِ الْحَرَامِ، " la Mosquée sacrée " برای الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ و سرانجام " vraiment " برای إِنَّ.

در ترجمه حمید الله هم چند نکته قابل انتقاد وجود دارد از جمله اینکه عبارت " les pierres dressées " استفاده شده که تحت اللفظی و به معنی سنگ‌های ایستاده است. در حالی که اکثر مترجمان آن را به معنی بت‌ها یا اصنام ترجمه کرده‌اند.

### آیه چهارم

يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَمَا عَلَّمْتُم مِّنَ الْجَوَارِحِ مُكَلَّبِينَ تَعْلَمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ	
حمیدالله	دوریه
Ils t'interrogent sur ce qui leur est permis. Dis: "Vous sont permises les choses excellentes, ainsi que ce que prennent les bêtes de chasse que vous avez dressées, en tant que vous les avez dressées pour la chasse: vous ne faites que leur apprendre ce que Dieu vous a appris. Mangez donc ce qu'elles capturent pour vous et prononcez dessus le nom de Dieu. Vraiment Dieu est prompt dans les comptes.	Ils te demanderont ce qui leur est permis de manger, dis leur, il est permis de manger de toutes sortes d'animaux, qui ne sont pas immondes, & de tout ce qui vous a été enseigné de la part de Dieu touchant les animaux qui ont été blessés des lions & des chiens, mangez des animaux qu'ils vous auront pris, & vous souvenez de Dieu en les saignant, craignez Dieu, il est exact à faire compte.

عبارت " toutes sortes d'animaux " (همه گونه حیوان) اشتباه انتخاب شده است زیرا در متن اصلی سخن از طیبیات یعنی چیزهای پاک است نه گوشت حیوانات. اگر ترجمه دوریه را از بخش دوم آیه با ترجمه مثلاً " استاد آیتی مقابله کنیم تفاوت و لغزش‌های مترجم فرانسوی بهتر آشکار می‌شود. آیتی: " و نیز خوردن صید آن حیوان که به آن صید کردن آموخته‌اید، چون پرندگان شکاری و سگان شکاری، هرگاه آنها را بدان سان که خدایتان آموخته است تعلیم داده باشید. از آن صید که برایتان می‌گیرند و نگه می‌دارند بخورید و نام خدا را بر آن بخوانید... " دوریه: " بخورید از هر آنچه از سوی خداوند به شما آموزش داده شده است در

در ترجمه آیه سوم، دوریه سه بار مرتکب تکرار شده است. آیه شریفه با " II vous est défendu de manger " (حرام شد بر شما خوردن) آغاز می‌شود اما مترجم دو بار این جمله را آورده است. تکرار دوم مربوط به جمله " با ذکر نام خدا " است ( en proférant le nom de Dieu ) که باید هنگام ذبح حیوانات حلال گوشت بر زبان جاری شود. و تکرار سوم جمله " Vous ne mangerez pas " (نباید بخورید) که تغییر شکل یافته همان جمله آغازین " حرام شد بر شما خوردن " است.

در ترجمه این آیه همچنین یک جمله که در زبان مبدأ به زمان حال ساده بیان شده و یک بار هم بنوعی تکرار شده است به زمان آینده برگردانده شده است. ترجمه فارسی آن دو عبارت این است: " امروز کافران از بازگشت شما از دین خویش نومید شده‌اند. (... ) امروز دین شما را به کمال رسانیدم و نعمت خود بر شما تمام کردم " اما برگردان فارسی ترجمه دوریه چنین است: " روزی خواهد رسید که کافران از بازگشت شما از دین خویش نومید خواهند شد. (... ) روزی فرا خواهد رسید که دین شما را کامل و نعمت خود بر شما تمام خواهیم کرد " که کاملاً اشتباه و خلاف فرموده قرآن است. در ادامه عبارت حیواناتی که " سنگ زده باشند " حذف و در مقابل دو فعل (étouffez, étranglez) که هر دو معنای خفه شده هستند در کنار یکدیگر بکار رفته‌اند. عبارتی هم به متن ترجمه اضافه شده که هک زائد است و هم معنای متن را تغییر داده است. در حالی که معنای صحیح کلام قرآن به این قرار است: " پس هر که در گرسنگی بی‌چاره ماند بی آنکه قصد گناه داشته باشد، بداند که خدا آمرزنده و مهربان است " معنای ترجمه دوریه چنین است: اگر کسی نیازمند باشد و از آنچه حرام است بدون نیت گناه تناول کند خدا در حق وی بخشنده و مهربان خواهد بود. همانطور که پیداست در نص عربی به خوردن چیز حرام تصریح نشده است.

سرانجام اینکه در پایان آیه به نظر می‌رسد مراد از " لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا " (و اسلام را دین شما برگزیدم) دین اسلام باشد اما هم دوریه و هم حمیدالله آنرا ترجمه کرده‌اند.



کمی از معنای متن دور است. واژه أَجُورَهِنَّ به معنی مزد ایشان که آن را مهریه یا کابین هم می‌توان تعبیر کرد جهیزیه (dot) ترجمه شده. حمید الله خود برای این واژه عربی در زبان فرانسه یک ترکیب اسمی ساخته (Le salaire d'honneur) و به این ترتیب مشکل را حل کرده است.

معادل ترکیب قیدی (avec civilité) یعنی با ادب احترام و قیود پنهانی و آشکارا (Secrètement, publiquement) نیز در اصل عربی وجود ندارد.

فی الآخِرَةِ را حمید الله (dans l'au-delà) و دوریه (au jour du Jugement) ترجمه کرده‌اند که مورد اول رساتر و نزدیکتر به اصل عربی است اما ترجمه دوریه به معنی روز داوری است و بنظر میرسد از واژگان کتاب مقدس وام گرفته تا به فرهنگ دینی مخاطبانش همخوان تر باشد.

### آیه ششم

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهَّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

دوریه	حمیدالله
O vous qui croyez <b>en Dieu</b> , lors que vous voulez faire <b>vos oraisons</b> , lavez votre visage, vos deux mains jusqu'au coude, & passez la main sur votre tête & sur vos pieds jusqu' <b>aux talons</b> . Si vous êtes pollus, purifiez-vous, si vous êtes malades ou en voyage ou que vous veniez de décharger votre ventre, ou que vous ayez connu des femmes, & que vous ne trouviez point d'eau pour vous laver, mettez la main sur le sable, passez-la sur votre visage; & vous en essuyez les deux mains. Dieu ne vous ordonne rien de fâcheux, mais il veut que vous soyez nets, & veut accomplir sa grace sur vous, peut-être que vous l'en remercirez.	Ho, les croyants ! Lorsque vous vous levez pour l' <b>Office</b> , lavez vos visages et vos mains jusqu'aux coudes; et passez les mains mouillées sur vos têtes; et <b>lavez-vous les pieds jusqu'aux chevilles</b> . Et si vous êtes pollués, alors purifiez-vous bien; et si vous êtes malades, ou en voyage, ou si l'un de vous revient des cabinets, ou si vous vous êtes entretouchés avec des femmes, et que vous ne trouviez pas d'eau, faites alors <b>ablution pulvérale</b> sur une terre propre, et passez avec cela vos mains sur vos visages et sur vos mains. Dieu ne vous veut pas de gêne, mais Il veut vous purifier et parfaire sur vous Son bienfait. Peut-être seriez-vous reconnaissants?

خصوص حیواناتی که شیرها و سگ‌ها آنها را زخمی کرده‌اند، از حیواناتی که برای شما گرفته‌اند بخورید و هنگام ذبح آنها نام خدا را یاد کنید... "

در این برگردان علاوه بر اشتباهات رخ داده " en les saignant " (هنگام ذبح آنها) به متن اضافه شده است. صفت "سریع" در جمله پایانی آیه نیز اشتباه ترجمه شده است.

برگردان ترجمه دوریه: او در حسابرسی دقیق است. ترجمه درست: او سریع‌الحساب است.

در ترجمه حمید الله از این آیه تنها یک مورد توضیح اضافه وجود دارد: " en tant que

vous les avez dressées pour la chasse " (بدلیل آنکه آنها را برای شکار تربیت کرده اید).

### آیه پنجم

دوریه	حمیدالله
Aujourd'hui il vous est permis de manger de ce qui n'est pas immonde & <b>des viandes de ceux qui savent la Loi écrite</b> , leur viande vous est permise & la vôtre leur est permise. Il vous est permis d'épouser les filles & les femmes de libre condition de <b>ceux qui savent la Loi écrite</b> , en leur donnant leur <b>dot</b> avec civilité, ne commettez point de concubinage ni point d'adultère avec elles, <b>ni secrètement, ni publiquement</b> , les bonnes œuvres que fera celui qui reniera votre Loi seront inutiles, il sera <b>au jour du Jugement</b> au nombre des gens perdus.	Vous sont permises, aujourd'hui, les choses <b>excellentes</b> ; et permise la nourriture de ceux à qui le Livre a été donné, et votre propre nourriture leur est permise; - et les dames d'entre les croyantes, et les dames d'entre les gens à qui le Livre a été donné avant vous, quand vous leur aurez donné leur <b>salaire d'honneur</b> - en mariage! Pas comme des débauchés ni en preneurs d'amantes! Et quiconque mécroit en la foi, alors vaine devient son action, et il sera <b>dans l'au-delà</b> , du nombre des perdants.

ترجمه آیه پنجم حاوی چند نکته است نخست اینکه مترجم فرانسوی در ادامه اشتباهی که از ابتدا در ترجمه او راه یافته طَعَامُ یا خوراکی‌ها را گوشت‌ها (viandes) ترجمه کرده است. همچنین دو بار " أوتُوا الْكِتَابَ " یا اهل کتاب را "آنان که شریعت مکتوب را می‌دانند" (ceux qui savent la Loi écrite) دانسته است که

این مترجم برای تیمم کردن ترکیبی ساخته (faire alors ablution pulvérale) که در زبان فرانسه پیش از او وجود نداشته است؛ در حال حاضر هم هیچیک از فرهنگ‌های لغت معتبر فرانسوی همچون لاروس و روبر این ترکیب فعلی را ثبت نکرده‌اند.

### آیه هفتم

وَأَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمِيثَاقَهُ الَّتِي وَاتَّقَكُمُ بِهِ إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأَتَقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ	
حمیدالله	دوریه
Et rappelez-vous le bienfait de Dieu sur vous, ainsi que l'alliance par quoi Il s'est allié à vous, quand vous avez dit: "Nous entendons et nous obéissons". Et craignez Dieu. Oui, Dieu sait bien le contenu des poitrines.	<b>O vous qui croyez en Dieu,</b> souvenez-vous de sa grace; & de la promesse qu'il vous a faite lors que vous avez dit, Nous avons oui, & obéi, craignez-le, il sait tout ce qui est en vos cœurs.

در حالی که تقریباً "همه مترجمان از جمله دوری عبارت **سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا** (شنیدیم و فرمانبرداری کردیم) را به زمان گذشته برگردانده‌اند، حمیدالله آن را بصورت نقل قول مستقیم و به زمان حال ساده ترجمه کرده است. او همچنین جمله **إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ** را بصورت (Oui, Dieu sait bien le contenu des poitrines) یعنی آری، خداوند به مکنونات سینه‌ها آگاه است، برگردانده که اندکی تحت اللفظی بنظر می‌رسد.

### نتیجه مقاله

بی شک کتب آسمانی بیشترین ترجمه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. در عین حال این گونه ترجمه‌ها بیشترین چالش‌ها و مسائل را در نقد و نظریه‌های ترجمه بوجود آورده‌اند.

دوریه در ترجمه آیه ششم و تقریباً "در سرتاسر ترجمه خود **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا** را ای کسانی که به خدا ایمان آورده اید ترجمه کرده (O vous qui croyez en Dieu) که با منظور قرآن یکی نیست‌ای کسانی که به خدا ایمان آورده اید می‌تواند شامل پیروان همه ادیان الهی چون کلیمیان، زردشتیان، مسیحیان و غیره شود در حالیکه در قرآن فقط مراد و مخاطب مسلمانان هستند.

در برابر عبارت **إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ** دوریه (lors que vous voulez faire vos oraisons) یعنی هنگامی که می‌خواهید دعا کنید و حمیدالله (Lorsque vous vous levez pour l'Office) یعنی زمانی که برای نماز برمی‌خیزید، گذاشته‌اند. واژه انتخابی دوریه برای نماز (Les oraisons) از نامهایی است که مسیحیان بر خطابه‌ها یا دعا‌هایی که یک روحانی رو به حاضران می‌خواند و دیگران معمولاً "به گفتن آمین اکتفا می‌کنند اطلاق می‌شود. پس با نماز مسلمانان که هم بصورت انفرادی و جمعی می‌توان آن را بجا آورد و نمازگزار هم ملزم به تکرار همه یا بخش‌هایی از نماز است تفاوت آشکار دارد. حمیدالله علاوه بر ترجمه درست **إِذَا قُمْتُمْ** معادلی نسبتاً "رساتر (l'Office) برای نماز برگزیده است. هر چند این کلمه هم برای نماز فرادا چندان گویا نیست.

در خصوص وضو ساختن آنجا که قرآن می‌فرماید: «وَأَمْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلِكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ» یعنی و سر و پاهایتان را تا قوزک مسح کنید، دوریه **الْكَعْبَيْنِ** را (talons) به معنی پاشنه‌های پا ترجمه کرده! و معلوم نیست چگونه می‌توان ایستاده پاشنه پا را مسح کشید. این مترجم **صَعِيدًا طَيِّبًا** (خاک پاک) را ماسه و **أَمْسَحُوا** (مسح کنید) را پاک کنید یا خشک کنید ترجمه کرده است.

حمیدالله هم در ترجمه این آیه از اشتباه بری نیست. او مسح کشیدن پاها را (بی شک بخاطر اعتقاد مذهبی خود بعنوان یک مسلمان اهل تسنن) از فعلی استفاده کرده که به معنی غسل دادن و شستن است.

در ترجمه متون مقدس غیر از تنگناهای زبانی و فرهنگی، بدلیل آنکه کلام الهی تفسیر بردار و دارای لایه‌های گوناگونی است مسائل دیگری نیز باید مورد توجه قرار گیرد از جمله: تاریخچه و قدمت متن، تاثیر آن بر شئون زندگی افراد و زایش و پویایی فرهنگی اقوام، حرمت ترجمه یا وجود ترجمه‌های پیشین که می‌توانند انتظارات را جهت دهند و در نتیجه واکنش‌های افرادی که ترجمه یا بازترجمه‌ها برای عرضه به آنان تهیه می‌شوند.

در هر ترجمه‌ای از جمله ترجمه متون دینی به دلایل مختلف احتمال راه یافتن خطا وجود دارد. از جمله این دلایل دغدغه‌های مترجم است. زیرا ترجمه باید به گونه‌ای انجام شود که خواننده پذیرای آن باشد.

ترجمه و باز ترجمه از دو ماهیت مستقل برخوردارند. هرچه مترجم اول تلاش می‌کند متن بیگانه را به زبان مقصد نزدیک کند مترجمان بعدی نیم نگاهی به قرابت زدایی و برجسته سازی بیگانگی متن ترجمه دارند. پس می‌توان گفت که باز ترجمه از ترجمه اولیه بیشتر بوی بیگانگی می‌دهد. از اینرو است که در ترجمه‌های جدید تر قرآن کریم بسیاری از واژگان حتی معادل گذاری نمی‌شوند و مترجم تنها به بازنگاری آنها به الغباء زبان مقصد اکتفا می‌کند.

هر چند در باز ترجمه بسیاری از مسائل حل و اشکالات برطرف می‌شود اما نمی‌توان ادعا کرد که همیشه بازترجمه موفق تر از نمونه ترجمه‌های پیشین است زیرا یکی از عمده ترین عوامل یعنی توجه ویژه به خواننده و فرهنگ زبان مقصد کمتر در نظر گرفته می‌شود.

## کتابشناسی

- ۱- قرآن کریم با ترجمه فارسی مهدی الهی قمش‌ای و عبدالحمید آیتی.
- ۲- انجیل شریف یا عهد جدید فارسی، از انتشارات انجمن کتاب مقدس، چاپ سوم، ۱۳۸۱ش.
- 3-Bensimon Paul, Présentation, Palimpsestes, 4, Retraduire, publications de la Sorbonne Nouvelle, 1990, pp. IX-XIII.
- 4-Berman Antoine, Pour une critique des traductions: John Donne Gallimard.
- 5-Hevson Larce, Images du lecteur, Palimpsestes, n° 9, 1995, pp. 1-7.
- 6-L'Alcoran de Mahomet, traduit de l'arabe par André Du Rayer sieur de la grande Malezair, Amsterdam, Pierre Mortier, M. DCCXXXIV.
- 7-Ladmiral Jean-René, Pour une théologie de la traduction, TTR: traduction, terminologie, rédaction, Vol. 3, n° 2, 1990, p. 121-138.
- 8-Ladmiral Jean-René, L'Epreuve de l'Etranger, Paris, Gallimard, 1984.
- 9-Le Coran, traduction intégrale et notes de Mohammad Hamidullah, Ansaryan publications, Qom.
- 10-Meschonnic Henri, Pour une poétique du traduire, Verdier, Paris, 1999.
- 11-Miquel André, L'Événement, le Coran, Sourate LVI, Odile Jacob, Paris, 1992.
- 12-Ricœur Paul, Cultures, du deuil à la traduction, Le Monde 24 /05/2004.
- 13-Seleskovicth Danica, Le Dilemme terminologique de la retraduction, Traduire, 175, 1998, pp. 17-27.
- 14-Skibinska Elzbieta, La Retraduction, manifestation de la subjectivité du traducteur, Doletiana, 1, Subjecte Traduccio.
- 15-Sorel Charles, Bibliothèque française, Paris, 1664, chap. XI, «De la traduction».
- 16-Trabelsi Chédia, La Problématique de la traduction du Coran, Meta, 45: 3, 401-403.